

پاسخ بازدارنده برای تغییر زمین بازی

اگر بخواهیم با دقت بیشتری به ابعاد و زوایای ماجرای روز جمعه نگاه کنیم و ارزیابی دقیق و همه‌جانبه داشته باشیم لازم باید به اهداف احتمالی طرف یا طرف‌های عامل در ماجرا و همچنین چرایی این ترور ناجوانمردانه نگاه کرده و آنها را مورد بررسی قرار دهیم.

درمورد اهداف چنین اقدامی چند گزینه وجود دارد، مواردی که اثبات‌شان لازمه نفی دیگری نیست و می‌تواند به‌صورت همزمان و توامان مدنظر باشند.
پیش از ورود به بحث درمورد اهداف، ذکر یک نکته قابل توجه است؛ اینکه در جریان بازآرندگی فعال الزاما باید در کنار کنش اطلاعاتی قوی برای شناسایی هرگونه تهدید علیه منافع ملی، با یک‌سری موضع‌گیری‌ها، اقدامات میدانی و حتی برنامه‌ریزی‌های آتی به دشمن فهماند که حتی درصورت شکسته‌شدن سدهای امنیتی و اطلاعاتی کشور، دست‌زدن به هر اقدامی عواقب متناسب یا حتی گسترده‌تری در پی خواهد داشت وبدین شکل مانع هرگونه اقدامی علیه منافع ملی کشور شد. اینها علاوه‌بر این است که از دست رفتن انسجام ملی وثبات داخلی در نتیجه هر اتفاقی چه سیاسی، چه اقتصادی و... خودبه‌خود به‌معنای عدم‌وجود هرگونه امکان برای قوای امنیتی کشور با هدف ایجاد بازآرندگی و مقابل‌به‌مقابل است و قاعدتا ممکن است دشمن را به این جمع‌بندی برساند که وارد آوردن یک یا چند ضربه با پاسخ متناسبی روبرو نخواهد شد؛ اتفاقی که برخی معتقدند در جریان ترور شهید سلیمانی و حالا درخصوص ماجرای ترور دکتر محسن فخری‌زاده روی داده است.

اهدافی فراتر از یک موضوع سیاسی

با توجه به همین جمع‌بندی محتمل، می‌توان درباره اهداف دشمن سخن بیشتری گفت. اهدافی که فراتر از یک کنش سیاسی یکی دو ماهه و برای امکان یا امتناع یک گفت‌وگو و مراده باید فهم شوند.

اولین هدفی که برای طسرف عمل‌کننده (و یا دیدگاه‌ناگزنده یک سه‌ضلعی تشکیل شده از مוסاد، سیا و منافقین) می‌توان در این ترور درنظر گرفت تضعیف مولفه اقتدار ملی است؛ نشان دادن شکندگی سیستم تاسطوحی قابل توجه و همزمان از دست‌رفتن پشتوانه‌اجتماعی که از مهم‌ترین مولفه‌های قدرت ملی است. **دومین هدف** ضربه امنیتی و ایجاد حس ناامنی در کشور است، اتفاقی که می‌تواند نتیجه ضربات قبلی در حوزه سیاسی و اقتصادی باشد و با یک‌بی‌احتیاطی تبدیل به واقعه‌ای بزرگ در سطح موضوعات امنیتی شود. تبعات این ماجرا به‌سادگی با اتفاقاتی مانند آبان‌ماه سال گذشته که البته نتیجه یک بی‌تدبیری دولتی و سوار شدن خارجی‌ها روی موج آن بود، قابل مقایسه است. ایجاد حسن‌نامی در کشور حتما خطرات‌ک‌تر و خسارت‌بارتر از هرگونه اتفاق اقتصادی و یا سیاسی است و لذا صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها اگرچه نمی‌توانند با اقدامات بزرگ و گسترده چنین حسسی را ایجاد کنند اما در تلاشند با تک‌اقدام‌هایی اینچنینی این حس را به جامعه منتقل کنند.

سومین هدف ایجاد سد‌دربرابر توسعه‌توان هسته‌ای کشور به‌عنوان یک‌توانمندی موثر در مسیر رشد تکنولوژیکی و همچنین صنعتی بازآرنده است. طرف غربی که از مسیر ترورهای قبلی و بعدا توافقی چون برجام نتوانسته موفقیت مدنظرش را در این حوزه به‌دست آورد اکنون با این ترغندها اساسا امکان توسعه بومی، بازتولید و پرورش نیروهای جدید را منتفی سازد.

چهارمین هدف منفعل کردن ایران در منطقه است. یک امر مسلم در این میان این است که جبهه مردمی مقاومت در بین کشورهای مختلف تاکنون توانسته دست‌برتر خود را در مواجهه با اتحاد دولت‌های متحد آمریکا و رژیم صهیونیستی نشان دهند و به قول ترامپ خرج چند تریلیون دلار پول را بی‌اثر سازد. در این مسیر با وجود اینکه دولت‌های برخی کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی پیمان صلح امضا کرده‌اند اما بازهم در میدان توفیقی که انتظار می‌رفته برای آمریکا و رژیم صهیونیستی حاصل نشده و در بسیاری از حوزه‌ها و مقاطع فضا کاملا برعکس شده است.

چگونه پاسخ دهیم؟

مسئله فراتر از یک ماجراجویی موزیانه است

حالا که ضربه‌ای قابل توجه به ما وارد شده، ابعاد مواجهه ما با عاملن چنین اتفاقی بسیاری تعیین‌کننده است. آنچه‌ان که در ابتدای متن توضیح کوتاهی داده شد،

گفت‌وگو

عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس به «فرهیختگان» خبر داد توقف اجرای پروتکل الحاقی در دستور کار مجلس است

قاعدتا در این طرح اقدامات جدی‌تری مدنظر قرار خواهد گرفت.

این طرح در چه مرحله‌ای است؟

کلیات آن در صحن‌رای آورده‌واکنون در کمیسیون امنیت‌دست‌بررسی است.

با توجه به ترور شهید فخری‌زاده اهداف دشمن از این ترور چه بوده است؟

ترور فخری‌زاده تروری از سر استیصال و کور بود که به‌نوعی با یک حرکت ایدئایی تلاش شد اقتدار جمهوری اسلامی ایران زیرسوال برود، درصورتی‌که این نوع حرکات را قبلا هم شاهد بودیم با ترور دانشمندان هسته‌ای عزم ملت ایران و نجبگان و دانشمندان جوان برای ادامه مسیر مجاهده علمی جدی‌تر خواهد شد.

در این راستا این ترور پیامی برای غرب‌گرایان داخلی داشت که بحث مذاکره با آمریکا خیال‌خام است، چراکه این کار نوعی ساده‌اندیشی و خام‌اندیشی و همچنین خوشبینی نسبت به مذاکره با آمریکاست که نتیجه‌ای جز ترور و تحریم برای ملت ایران نخواهد داشت.

هریک از دو حزب آمریکا یعنی جمهوری خواهان و دموکرات‌ها که بر سرکار باشند، تشدید تحریم‌ها و ترور و ایجاد ناامنی در دستورکار آمریکا قرار دارد، چراکه سیاست‌های آمریکا در سطح روسای جمهور تعیین نمی‌شود بلکه این سرمایه‌داران و لابی صهیونیسم است که این سیاست‌ها را مشخص می‌کند، بنابراین امید بستن به بایدن در این شرایط خیالی‌خام و از روی ساده‌اندیشی است.

سیاست

واکنش ایران به ترور محسن فخری‌زاده چگونه می‌تواند متضمن امنیت ملی باشد؟



صهیونیست‌ها از یک سو تصور می‌کنند کشور ضعیف‌تر از حد و حدودی است که

پاسخی برای این اقدام‌شان داشته‌باشد و از سوی دیگر با توجه‌به کنش‌های سیاسی اخیر بر این باورند که دولت ایران نمی‌خواهد در دو‌ماه باقی‌مانده از دوران ترامپ‌وارد یک تنش جدی شود لذا سعی خواهد کرد از کنار ماجراجویی‌های صهیونیست‌ها و آمریکایی‌ها عبور کند تا این دو‌ماه هم به پایان برسد. درمقابل اما واقعیتی که به هیچ‌عنوان قابل انکار نیست این است که ترور مسلحانه با مشارکت بیشتر از ۱۰ نفر عمل‌کننده میدانی و به شهادت رساندن فردی چون دکتر محسن فخری‌زاده بسیار فراتر از یک ماجراجویی موزیانه است و عمل‌ضربه‌ای به ساختار امنیتی کشور در همه سطوح یعنی خرد و کلان است و اگر پاسخی به آن داده نشود بی‌شک باید منتظر ضربات بعدی هم بود، چه آنکه ترامپ در کاخ سفید باشد یا بایدن، مانند آن‌روزهایی که در دوران دموکرات‌ها ظرف حدودا دو سال ۴ دانشمند ایرانی یکی یکی هدف قرار گرفتند، البته با یک تفاوت و آن هم اینکه با وجود اثرگذاری قابل توجه و سطح علمی و فنی بسیار بالا، هیچ‌کدام از شهدای قبلی از نظر راهبردی قابل مقایسه با افرادی چون سرلشکر سلیمانی و دکتر محسن فخری‌زاده نبودند و

لذا اکنون اگر پاسخ جدی و درخور ی داده نشود ضربه بعدی مهلک خواهد بود. از ایسن رو باید گفت علاوه‌بر الزامی بودن پاسخ، در اینجا کم‌وکیف پاسخ هم موضوعیت دارد و به عبارتی باید به‌نوعی متناسب یا گسترده‌تر باشد که هرگونه واکنشی را برای طرف‌مقابل بلاتوجه‌و بسیار پرهزینه‌کند. از این‌رو باید هر ۴ هدف توضیح داده‌شده در بالا در پاسخ ایران مدنظر قرار گیرد، بدین معنا که قدرت ملی

احیا و نشان‌داده شود ایران همچنان توان پاسخ قوی و قدرتمند و حتی متعدد دارد. این پاسخ باید بتواند برای مردم امیدبخش باشد یعنی حس امنیت را به آنها بازگرداند و از سوی دیگر نیروهای مقاومت در منطقه را نیز از رخوت و سرخوردگی احتمالی خارج سازد. با توجه به جمیع این مسائل باید مجموعه اقداماتی در چند

محور مدنظر ایران باشد.

یک: از آنجایی که بعد از ماجرای نطنز در تیرماه و اکنون ترور دکتر فخری‌زاده، معلوم است که بحث هسته‌ای مورد‌تمرکز دشمن قرار گرفته، باید هرچه سریع‌تر برگ‌توانمندی هسته‌ای دوباره روی میز ایران قرار گیرد، اتفاقی که البته زمینه‌های آن توسط طرح مجلس فراهم شده و صرفا نیاز به تصویب نهایی و الزام دولت به اجرای آن در بازه زمانی محدود و کوتاهی دارد. در این خصوص چند مورد الزامی است. اول راه‌اندازی سیستم غنی‌سازی ۲۰ درصد در فوردو، دوم استفاده از سانتریفیوژهای نسل جدید، سوم ذخیره‌سازی مواد غنی‌شده کمتر از ۵ درصد به همان میزانی که در طرح آمده یعنی ۵۰۰ کیلوگرم در ماه و نهایتا از همه مهم‌تر

روانتیسم التقاطی چیست؟

اولین نگاه یک‌نگاه التقاطی است که هم ریشه خارجی دارد و هم برخی داخلی‌ها ترجیح می‌دهند اینگونه ماجرا را فهم کنند. این نگاه معتقد به وجود تفاوتی فاحش میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان در آمریکا‌ست و یا در مرتبه‌ای بالاتر حتی تلاش می‌کنند میان آمریکا و رژیم صهیونیستی در افکار عمومی نوعی فاصله‌گذاری ایجاد کند. مروجان این نگاه می‌گویند آمریکا با در مواردی که سعی می‌کنند دقیق‌تر صحبت کنند دموکرات‌ها، در مساله ایران اختلاف‌نظر مبنایی با جمهوری خواهان

محمد مرندی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» پاسخ متناسب ایران به ترور شهید فخری‌زاده را تشریح کرد

کاهش همکاری با آژانس، واکنش نظامی متناسب

محمد مرندی، تحلیلگر سیاسی، کارشناس مسائل آمریکا و عضو هیات علمی دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهیختگان» به بررسی ابعاد و اهداف ترور دانشمند هسته‌ای کشورمان و نیز نحوه پاسخ ایران به این ترور پرداخت که مشروح آن در ادامه آمده است.

۱۱۱

با توجه به ترور شهید فخری‌زاده و اهداف این اقدام تروریستی پاسخ ایران به این اقدام باید چگونه باشد؟ بسیاری قائل به اخراج بازرسان یا خروج از NPT هستند، ارزیابی شما از اهداف این ترور و بایسته‌های پاسخ ایران چیست؟

به نظر من پاسخ به این اقدام باید ترکیبی باشد، یعنی هم کاهش همکاری با آژانس و هم پاسخ نظامی باید در دستورکار باشد.

پاسخ ایران باید کاهش همکاری با آژانس و واکنش نظامی متناسب با این ترور باشد

موارد دیگر از جمله مصوبه مجلس برای خروج از NPT و اخراج بازرسان چطور؟

به نظر من این موارد باید با هماهنگی

و صهیونیست‌ها دارند. بر همین اساس می‌گویند رژیم صهیونیستی بنا دارد از روزهای باقی‌مانده دوران ریاست‌جمهوری ترامپ به نحو احسن استفاده کرده و غایت کمپین فشار حداکثری را با اقداماتی بسیار رادیکال از جمله ترور برخی مقامات و یا دانشمندان ایرانی محقق کند. این افراد تلاش دارند بگویند این دو ماه حکم مرگ و زندگی برای افرادی چون نتانیا‌هو یا محمد بن سلمان را دارد و با پایان دوره ریاست‌جمهوری ترامپ فضا به کلی تغییر خواهد کرد. کسانی که اینگونه تحلیل می‌کنند یک نتیجه‌گیری کلی و البته بسیار خطرناک برای امنیت ملی کشور هم دارند؛ اینکه ایران نباید به این دست اقدامات رژیم صهیونیستی پاسخ داده و به اصطلاح در زمین دشمن بازی کند و حداقل می‌بایست مواجهه با صهیونیست‌ها را تا ۲۰ ژانویه به تاخیر بیندازند. آنها می‌گویند بهترین رویکرد، تداوم صبر استراتژیک در مواجهه با ماجراجویی‌های نتانیا‌هو است (مانند همان صبر یک‌ساله پس از خروج ترامپ از برجام) و هرگونه پاسخی از جمله مقابله به مثل یا غیره به ضرر ایران تمام خواهد شد. آنها البته به این سوال پاسخ نمی‌دهند اگر ساکت ماندیم و دشمن جری‌تر، ضربه بعدی را وارد کرد تکلیف چیست؟ آنها البته پاس‌گویی این سوال هم نیستند که اگر امنیت ملی شکننده شده و دشمن وارد فاز عملیات‌های مکرر شد، چرا باید پس از پایان دوران ترامپ، دموکرات‌ها از این فرصت دست بکشند و به مسیر دیگری بروند؟

نکته دیگر که به فهم دقیق‌تر این نظر کمک می‌کند این بررسی‌ها نشان می‌دهد مدافعان و مروجان این نظر در ایران کسانی هستند که می‌خواهند آینده سیاسی خود را بازسازی کنند و لذا تغییر در کاخ سفید را بهترین فرصت دانسته و با مانور تبلیغاتی روی این ماجرا به‌نوعی یک عملیات رسانه‌ای بزرگ را تدارک دیده‌اند و نمی‌خواهند ولو به هزینه گزاف که می‌تواند تحت امنیت و منافع ملی باشد عملیات‌شان به شکست بینجامد. این افراد که پیش‌تر گفته بودیم از سیاست برداشت‌هایی رویاپردازانه دارند سال‌ها وعده آینده‌ای را به مردم می‌دهند که در آن از مسیر سیاست خارجی و تعامل دموکرات‌های آمریکایی وضعیت اقتصادی کشور بهتر خواهد شد، آینده‌ای که البته با گذشت چندین سال هنوز فرا نرسیده و حتی پس از برجام هم محقق نشده است.

در خارج مهم‌ترین کسانی که چنین ایده‌ای را نمایندگی می‌کنند ایرانی تبارهایی هستند که با حضور در کمین دموکرات‌ها و اتحاد استراتژیک با آنها علاوه‌بر تلاش برای تامین منافع ایالات‌متحده، اکنون چند قدم جلوتر امیدوار به رونق کاسبی خود هستند. افرادی چون تری‌تا پارسی و دیگر اعضای نایاک را می‌توان به‌عنوان مصدایقی روشن از این گروه دانست.

واقع‌نگری؛ پایه تامین امنیت ملی

در مقابل این تحلیل اما یک نگاه واقع‌بینانه و مبتنی بر تامین منافع ملی در کوتاه‌مدت و بلندمدت وجود دارد. این نگاه می‌گوید رژیم صهیونیستی و آمریکا از هر فرصتی برای ضربه‌زدن به ایران استفاده خواهند کرد، چه دولت جمهوری خواه در کاخ سفید باشد چه دموکرات. تحلیل‌گرانی که بر این عقیده هستند به یک تجربه تاریخی استناد می‌کنند و می‌گویند همه ترورهای دانشمندان هسته‌ای ایران پیش از شهید دکتر محسن فخری‌زاده در دوران ریاست جمهوری باراک اوباما‌سای دموکرات اتفاق افتاد و در هیچ کدام یک از این موارد هم نه اوباما ابراز تأسف کرد و نه چنین اقداماتی را محکوم کرد، چنانکه همین امروز هم جو بایدن همین گونه رفتار می‌کند.

این تحلیل البته بخش‌های مهم‌تری هم دارد؛ یک قسمت این است که اگر دموکرات‌ها مستقیم به چنین اقدامی چراغ سبز نشان نداده باشند حداقل اکنون در تلاشند تا با هر روشی که ممکن است مانع پاسخ ایران شوند و توازن قوا را به نفع ایالات‌متحده و رژیم صهیونیستی در منطقه و به ضرر جریان مقاومت و کشور ایران برای همیشه حفظ کنند.

بخش مهم‌تر این تحلیل اما این است که اگر امروز پاسخ درخور ی در حد مقابله به مثل یا بالاتر به اقدام رژیم صهیونیستی داده نشود فجایع بزرگ‌تری در انتظار کشور خواهد بود. آنها بر این باورند که خوش‌بینی زود هنگام و پالس‌های «نیازمندی به مذاکره و بازگشت آمریکا به برجام» در چند هفته اخیر، از جانب طرف غربی و صهیونیستی تحت عنوان موضع انفعال وضع برداشت شده و لذا جسارت اقدام بزرگ را به آنها داده است و طبیعتا اگر روش کنونی برخی سیاستمداران متوقف نشود خسارت‌های بیشتری در راه خواهد بود.

اکثر ترورها علیه ایران در زمان اوباما و بایدن صورت گرفت

برخی کارشناسان معتقدند بیشترین ترورهای هسته‌ای ما در زمان اوباما صورت گرفته، با وجود این، آیا اکنون می‌توانیم حساب رژیم صهیونیستی را از آمریکا یا حساب دموکرات‌ها را از جمهوری خواهان در این اقدام تروریستی جدا کنیم؟

خیر، همان‌طور که بیان کردید، اکثر ترورها در زمان اوباما و بایدن صورت گرفت و ابداع‌کننده تحریم‌های دوره ترامپ، اوباما و بایدن بوده‌اند.

تمام جنگ‌های خاورمیانه در زمان دموکرات‌ها آغاز شده

ترامپ، حاج‌قاسم را ترور کرد ولی جنگ کثیف سوریه، یمن، لیبی و امثال آن سیاست‌های اوباما بود، بنابراین از نظر سیاست‌های کلی خیلی با هم تفاوت ندارند و ایران نباید روی این مساله حساب باز کند که بایدن تفاوت دارد.

البته اگر بایدن بخواهد رویه را اصلاح کند، دست او باز است و می‌تواند برجام را اجرا کند و این نیاز به مذاکره ندارد ولی نباید روی این امر حساب باز کرد.